صورت اعلام و حکمی است که از دیوان تجارتی جنرال قونسلکری دولتعلیهٔ ایران دراسلامبول داده شده است

بموجب مآل استدعانامهٔ مورخ ۱۵ ربیع الاول سال ۱۲۹۷ عیال ودونفراولاد اوسکهان ارسنیان تاجر از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران وهم سغومه ارسنیان واسکوهی ارسنیان واحانس ارسنیان بجهة اختلال شعور تاجر مومی الیه محجوری اوراخواستند این مطلب را جمعی از معتبرین اطبای اسلامبول مثل دوکتور (کاتپیان) ودوکتور (ساوریو) ودوکتور (عطا بك) ودوکتور (نوریجان) ودوکتور (ارستیدی بك) تصدیق کرده دوکتور (مونجری) که دراین فن یعنی معالجهٔ ناخوشی جنون وعلت سودا مهارتش معروف است راپورت مفصلی نوشتهٔ مختل الشعور بودن مومی الیه را در سنه ۱۸۷۷ میلادی مشروح داشته است . ودر تاریخ ۱۷ رجب سنه ۱۲۹۰ ازجانب دائرهٔ جزای محکمهٔ بدایت مرکز بك اوغلی درحالتیکه (نظرت افندی) وکیل اوسکهان مدعی عدم اختلال شعور مؤکلش بوده است تصدیق وقرار داده شده است مبتلا بودن اوسکهان بعلت مذکوره و بعد ازچندی استدعای استیناف بمحکمه داده شده اوراقی در باب صحت شعور اوسکهان ابرازو باحضور ترجمان سفارت سنیهٔ ایران حکم اعلام اولی ابقاواستدعای استیناف ردشده است وازجانب مجلس نظارت طبیه درسلخ شوال سنه ۹۵ تصدیق شده است مختل الشعور بودن اوسکهان ولزوم تعیین وصی برای او و بنا براین درتاریخ ۲ جمادی الاولی سنه ۹۷ ازجانب محکمهٔ تجارتی جنرال قونسلکریٔ محجوریٔ اوسکهان ارسنیان قرار داده شده برای ادارهٔ امور تجارتی محجور مومی الیه حاجی سرکز طوماسیان از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران وصی تعیین شده بود .

مسیو (ادوار اید) در ۸ مارس ۱۸۸۰ میلادی بادعای وکالت از (ارسن ارسنیان) فرزند بزرك اوسکهان استدعانامهٔ بسفارت سنیهٔ کبری تقدیم ودرآن ضمن مستدعی شدکه مکازهٔ تجارتی که در (چقماقچیلر یوقیشی) بشماره (۸۵) بموجب اعلام محکمهٔ قونسلخانه بنام اوسکهان ضبط شده است مال مؤکل صاحب استدعا بوده است واین استدعا درشانزدهم ماه رجب ۹۷ بمجلس تجارتی جنرال قونسلکری حواله فرموده شده بود چون (مسیواید) وکالت نامهٔ مخصوصی دراینباب نداشت واز اینطرف هم مدعی بود که (ارسن ارسنیان) رعیت دولت انکلیس است این محاکمه بتاخیر افتاد تاخود (ارسن ارسنیان) از (مانچستر) باسلامبول آمده بصفت تابعیت دولت علیهٔ ایران عرضحالی نزدیك بمضمون عرضحال سابق که (مسیواید) داده بود بسفارت کبری تقدیم ودر ۲ رمضان (۹۷) بمحکمهٔ تجارتی جنرال قونسلکری محول گردید .

طرفین دره ۱ ماه ذی قعده (۹۷) درمحکمه حاضر شده ارسن ارسنیان در حضور محکمه باصمه جیان افندی را ازجانب خود وکیل کرد وحاجی سرکز طوماسیان وصی اوسکهان (مسیو باروجی) را بوکالت مطلقه تعیین نمود . باصمه جیان افندی وکیل مدعی بسخن آغاز کرده اظهارداشت که چون اوسکهان ارسنیان از جانب محکمه بعنوان مختل الشعوری محجورشده است ومومی الیه مختل الشعور نبوده است ومکازهٔ که درچقماقچیلر یوقیشی درنمره (۸۵) واقع است مال متصرفی مؤکل من است که از اوسکهان ارسنیان خریده وحال بنام محجور مرقوم یعنی اوسکهان ارسنیان حجر شده است اموال مذکوره را حقا طلب میکنم وفسخ اعلام سابق را میخواهم (مسیو باروجی) درجواب کفت اعلامی که در خصوص محجوریت کسی داده شده باشد موافق جمیع قوانین موضوعه بجزازخصوصات تصنیعیه وحیله آمیز غیرازخود محجور کسی دیکر نمیتواند بسمت اعتراض الغیر درآن اعلام اعتراض بکند و بنابراین مدعی حق اعتراض الغیر ندارد و پیش ازآنکه داخل اساس ماده بشویم پیشتر (مسیواید) وکیل سابق (ارسن) بواسطهٔ روزنامها اعلانی کرده است که قرض داران مکازهٔ اسلامبول قروض خودشان را بحاجی سرکز طوماسیان که وصی است ندهند واکر بدهند مسئول خواهند بود واین اعلان برضد اعلان رسمیٔ جنرال قونسلکری ایران بود که بموجب حکم اعلام وقرار داد محکمه میبایست مدیونین مکازه قروض خود شان را بوصی منصوب ازجانب جنرال قونسلکری بدهند و باعث شده است این اعلان (مسیواید) که مدیونین مکازه قرضهای خود شانرا ادا نمیکنند وعروض تهلکه وخطر ذرمبالغ مطلوبه بواسطهٔ احتمال وقوع افلاس مدیونین ومانند آن جایز است . بناء علیه ارسن صاحب استدعادراول امر اعلانی را که سابقا مسیو اید بوکالت اوکرده است باید پس بکیرد .

باصمه جیان افندی اظهار کرد که اموال مذکوره ومطالبات مال موکل من است وپس کرفتن این اعلان بمنزلهٔ ترك حقوق موکلم میباشد . لهذا نمیتوانم اعلان راپس بکیرم . لدی المذاکره چون اعلام محکمه که درمحجوریت اوسکهان داده شده است راجع بمسئلهٔ (اوردر رپو پلیك) ونظم عمومی است وحاجی سرکس هم مکازه را بامر محکمه اداره میکند واعلان وکیل ارسن درمقابل اعلان رسمی قونسلخانه مغایر حقیقت حال ومانع ازحفظ کلیهٔ حقوق ودرصورت پس کرفتن این اعلان بطوری که ازمحکمه تکلیف کرده شدکه بشرط عدم تعرض خلل بحقوق او اعلان را پس بکیرد ضرری بارسن وارد نمیشد لهذا متفقا قرار داده شدکه باید اعلان را پس بکیرد وچهل وهشت ساعت مدت کذاشته شدکه اجرا نماید ونخست این قرار راقبول ودرختام چهل وهشت ساعت تعلل و بعد بکلی نکول کرده و بدین واسطه کیفیت مدتی بتأخیر افتاد .

دراین اثنا یعنی دراواخر ماه صفر خبر وفات اوسکهان ارسنیان ازمانچستر رسید مکازهٔ تجارتی چاقماجیلر یوقوشی درشمارهٔ ۸۵ که بنام اوسکهان بتصرف وصی داده شده بود ازجانب جنرال قونسلکری

تمیر ودر ثانی نظـارت اموال ترکه موقتا بوصی سابق حاجی سرکز طوماسـیان محول گردید . درتاریخ ٤ ربیع‌الاول ۹۸ ارسن‌ارسنیان‌شخصا درمحکمه حاضر شده وحضورا مسیو ادوار ایدرا ازجانب خود وکیل مرخص تعیین کرد . مسیو باروجی هم ازجانب دیگر ورثه که زوجهٔ‌اوسکهان متوفا سغومه ودخترش اسکوهی وفرزند دو یمیش اوحانس باشـند وکیل بود درمحکمه حاضر شده مسیو اید بصفت معترض الغیر آغاز بسخن کرد . چون دراستدعا نامهای‌مدعی عبارت‌اعتراض‌الغیر نوشته نشده‌بود ازجانب محکمه سؤال کرده شدکه درعرضحال شمـا سخن ازاعتراض الغیر بمیـان نیاورده‌اید مسیو اید گفت مقصود اعتراض الغیر است اگر چه درعبـارت نوشته نشـده است . وچون مسیو باروجی هم بواسطهٔ دخول‌درمحاکمه قبول کرده‌بودشروع باستماع سخنان طرفین‌شد . مسیو اید در باب مختل الشعور بودن اوسکهـان اظهارکردکه پنج نفر از طبیبان معرف لنـدن که دونفراز آنها طبیبان ملکهٔ انکلستان است رسما تصدیق کرده اند که اوسکهـان عاقل بوده است وعمـدهٔ دلیل معترض علیـه راپورت دوکتور مونجری است که غرض آمیز نوشته شـده است واوراقی دراین باب بمحکمه تقدیم کرد . مسیو باروجی گفت درخصوص محجـوریکسی که بواسطهٔ مختل‌الشعور بودن ازجانب محکمـه اعلام شده است شخص ثالث حق اعتراض الغیر ندارد مگر خودمحجور اعتراض تواندکرد و بس‌چنانکه شارح قانون(سیره) درفصل ٤۹۰ درشمارهنهم این مطلب را شرح داده منیو یسـد طلبکاران شخص محجور نیز نمیتوانـند اعتراض بکنند مگر درصورت وقوع حیله وساخته کاری‌و (دالوز) درشرح مطلب اعتراض الغـیر تفصیل میدهد این مطلب را . پس شمـا حق اعـتراض الغیر در اینبـاب نتوانید داشت از جهت دیگر حرف دارید بزنید . مسـیو اید گفت من باید باین فصول مؤلفـان مومی الیهـا مراجعت بکنم و برفرض تسلیم این جهت مطلب در خصوص مـکازهٔ که درچاقجیلر یوقوشی درنمرهٔ ۸۵ واقع است و بنام او سکهـان ضبط شـده است میگویم این مکازه برخلاف حق ضبط شده‌است وآن مکازه وآنچه برآن متفرع است مال ارسن ارسنیان موکل من میباشد بدلیل آنکه اولا موکل من در آن مکازه ذو الید است و ید تصرف قوی است‌چه موافق قانونی‌که در همه جا معمول است ذو الیـد هر مالی مالك آن اسـت . ومادهٔ ۲۲۷۹ قانون مدنی فرانسه نیز مؤید این معنی است وذوالید بودن موکل مرادر اموال‌مذکوره خودمدعیان دراستدعا نامهای خود شان اعتراف کرده اند .

ثانیا قونطورات رسمی مکازه بنام موکل من است ودر طبق این بیان صورت مصدقهٔ بعنوان کونتورات نامه بمحکمه ابراز کرد بدین مضمون که (قره کوزیان کریکور آغا از تبعـهٔ دولت عثمانی بمسیو ارسن ازتبعهٔ انکلیس مکازهٔ واقعـه در مقابل خان والده در نمرهٔ ۸۵ بمبلغ‌شصت لیرا یکساله ایجـار کرد بشرایط معلومه در اول کانون ثانی ۹٤ واین صـورت که چند فقره جای مهرامام ودوائر در آن نموده شده است در ۲۱ کانون‌ثانی ۹٦ از جانب قلم دعاوی تصدیق شـده است بدین طریق که صورت این ورقه مطابق است بااصل‌آن‌که در دست‌ارسن (او) ارسنیان است وخرجی که کرفته شده است برای آن و رقـه نیز در تاریخ ۲۱ کانون ثانی ۹٦ ثبت شده است) این‌صورت ورقه‌هم مطالعه کرده شد مسیو اید بعد از اقامهٔ‌دلیل دو یم گفت ثالثـا امـوال منازع فیه مال موکل من است مارکهـا که در روی مالهاست مارك موکل من است و بقاعدهٔ تجارت مال تابع مارك است .

رابعا جمیع دفاتر مکازه بنام موکل من است ودفتر تجار محکمتر دلیلی است بر اثبات مدعا . و بر فرض که او سـکهان مختـل الشعور بوده وصاحب ثروت هم بوده باشدباوجود این نمیتوان گفت این اموال مال او است هر جا مال او پیدا بشود حکومت ضبط نماید و بوراث بدهد .

مسیو باروجی در جـواب فقرهٔ اولی گفت ذوالیـد بودن در صورتی دلیـل مالکیت تواند بودکه تصرف بحـق بوده باشـد وتصرف بحق بشروط صحیحه ومعاملات‌مشروعه‌تواند بود . حال آنکه بیش‌از آنکه داخل درمطلب استرداد اموال بشـویم صـورت جریان کار را من بطور خـلاصه حکایت بکنم تا حقیقت حال در حضور محکمه معـلوم گردد . او سـکهان متوفی چندین سال‌پیشتر مکازهٔ مذکورر اتاًسیس ومتعردا وکاهی بالاشتراك راه انداخته تجـارت میکرد ارسن پسرش از مکتب بیرون آمده برای تحصیل آداب تجارت مانند شـاگرد و مبتدی در مکازهٔ پدر آمده مدتی خدمت کردو بعد ازچندی ماهیانه ومعاشی از پدر در حق او برقرار شـد و بتدریج صاحب مختصر تنخواهی شد . تا آنکه در آن اثنا یعنی‌درسال ۱۸۷۷ فهمیده شد که در شعور پدرش خللی پیداشده است ارسن مومی الیه بخیال اسـتفاده از ناخوشی پدر افتاده درصدد تدبیر این مقصود برآمده است بطوری‌که پدررا در آغوش خـود بکیرد ومقصدرا حاصل کندو چنان کرده است وکار را بجایی رسـانیده است‌که او سکهان نمیخواسـته است روی عیال وفرزندان وداماد‌های خود را به بینـد و چنان ذهنیهٔ اوکرده بوده اسـت‌که عیـال واولادش دشمنـان اوهستند اورا خواهند کشت . پسر کوچکش بخنجر او را خواهـد زد ودامادش که حکیم است باوز هرخواهد داد واین‌قاش حرفها بخـورداو داده و بدین حالت او را مضطرب کرده و وصیت نامـهٔ هم تمام نموده در حالتیکه اورا هیچ وقت بحال خود نمیگذاشته واز اوجدا نمیشده است پدرش را از اینجـا باوروپ برده وخواسته است در باب مختل الشعور نبودن پدر در شهر وین ازا اطبای معروف آنجا شهـادتنامه بگـیرد ونتوانسته است تحصیل نمـاید بعلت عدم قبول‌آن تکلیفی‌که بکارش نمیـآمده‌است واز جانب حکیم بزرك آنجا بوی شده است تا آنکه در ۱۲ کانون اول ۱۸۷۸ درمانچستر بواسطهٔ تحریرات عمومیه واخبارنامها اعلان کرده است که چون پدرم ناخوش مزاج است ودست ازکار

و بار تجارتی کشیده امور تجارتکاه‌را بمن‌وا گذار کرده است بعداز این تجارتکاه مذکور بنام ارسن اوارسنیان خواهد بودومطالبات‌ودیون‌نیز بوی راجع‌خواهدشد و بعد ازآن کماشتهٔ خودش مدیرمکازهٔ اسلامبول نیز اعلان کرده است‌که اوسکهان‌ارسنیان‌حساب‌خودراقطع‌وحصهٔ‌خودرا دریافت کرده تجارتکاه خودرابفرزندش ارسن ارسنیان‌واگذار کرده‌است و بعداز این صاحب تجارتکاه‌مذکورارسن‌ارسنیان‌میباشدحال‌آنکه‌ارسن مدعی‌موکلان‌من تنخواهی‌که‌تاسال ۱۸۷۸ بصرفه جوئی‌وقناعت جمع‌آوری کرده بوده است‌بموجب دفترچهار صد لیرا بوده ومالك‌شدن‌همچنان‌مکازه وتجارتکاه‌که اعتبارکلی وشهرت‌تمام داشت محتاج بچندهزارلیرامیباشد آیابچه طریق و بکدام‌ثمن وبدل‌مالك‌آنکونه تجارتکاه شدو یاآنکه مبلغی‌که میبایست درمقابل آن بدهد با کدام سند ومقاوله معین‌کردید و بچه قسم عقدمقاوله‌نمودند ازارسن جواب اینهارامیخواهم (درحالتیکه مسیوارسن ارسنیان‌حاضر بود سکوت کرد) مسیو باروجی باز بسخن آغاز کردکه بودن تجارتکاه مذکور درتاریخ ۱۸۷۷ بنام اوسکهان‌پدرارسن‌ازدفترها واز اعتراف خودارسن معلوم است ۰

دراین‌صورت‌چگونه این‌همه ثروت‌را مالك شداینفقره را حالاجواب‌میخواهم اگر حالاجواب بدهد در اینجادعوی‌راختم‌میکنم مادامیکه‌جواب نمیدهد بموجب اعلان‌وتحریرات عمومیه‌خودباید معین‌نماید که این شرکت‌چیست وچه‌داده‌است و کجااست آنچه داده است‌درمیان یکروزنمیشود باین سرمایهٔ بزرك صاحب‌شد ۰ واینکه‌معترض اعتراض میکندکه مال منقول دردست هرکسی باشد متصرف ومالك محسوب میشود این‌در صورتیست‌که ذوالید بودن بطور (بون فووا) متصرفی بحق و(ژوست تیتر) راستیٔ عقیدت وعاری ازصنع‌وحیلت بوده‌باشد ۰ ودر این‌فقره دلایلی‌که مشهوداست‌آشکارامینماید‌که‌ارسن‌ارسنیان مکازهٔ مذکوررابحق مالك نشده‌حکم غاصب‌را دارد بعلت اینکه‌موافق اعلان وتحریرات‌عمومیه خودومدیر مکازهٔ اسلامبول کریکور افندی آل‌یاناقیان کرده‌است‌بیش ازسال ۱۸۷۸ تجارتکاه مذکور مال‌اوسکهان بوده است۰ ومختل‌الشعور بودن پدرشان درآن اثناز اوراقی‌که معروض شده است‌مثبت‌میباشد ۰ در اینحال‌که ادعای تصرف میکند وجهت مشروع آرایشان نمینماید واضح میشود‌که بصنع‌وحیلت‌دست تصرف درتجارتکاه مذکورگذاشته‌شده‌است ۰ وعلاوه‌برین‌بطور یکه دررسالهٔ راپورت دوکتور مونجری شرح داده شده‌است‌برای‌اینکه‌امنیت‌پدر مختل‌الشعور بیچاره‌را درحق خود حاصل نماید اورا برضد عیال وفرزندودخترانش تحریك کرده از خانمانش‌دور و باروپ برده‌است‌که دروین درخصوص صحت شعور پدر شهادتنامه بگیرد ۰ از دوکتورلید ومرورف‌که‌درفن ومعالجهٔ‌مجانین مهارتش‌معروف ومسلم‌است‌وچندسال‌پیش بجهت‌اعلیحضرت‌سلطان مراد خان بدرسعادت آورده شدچون‌مراجعت کرده است دروین بحکیم مشارالیه اودرجواب کفته‌است‌که برای‌ترجمهٔ‌سئوال‌وجواب‌بااوسکهان که‌معاینه میخواهد بشودترجمانی بایدشدکه‌بسوگند تامین بکندراستی‌ترجمه هائی‌را که‌لازم خواهد شد و بدین جهت ارسن‌صرف نظرکرده است ازمعاینه کردن پدرش‌که‌این‌هم‌دلیل‌بروقوع صنع وحیلت درامرتصرف تجارتکاه اوسکهان است ودر باب تحقیق فقرهٔ‌تصرف بحق درصورتیکه مسلماو برجهانیان‌معلوم‌است‌که تجارتکاه‌مذکوررا اوسکهان ارسنیان تأسیس کرده است وخود ارسن نیزاعتراف داردکه درسال ۱۸۷۸ ماه دسامبرقسم بزرك‌سرمایه مال اوسکهان‌بوده است ومع ذلك ادعای تصرف‌کرده و بیان نمیکندوجه تصرف‌راواگر پدرش فروخته است نمیگوید مبایعه بچه قسم واقع‌شده‌است واثبات نمیکند مشروعیت تصرف خودراپس واضح‌است‌که‌بحق متصرف نیست وتصرف همچنان ذوالیدمدار اعتبار واعتنا نمیباشدباآنکه مکازهٔ مبحوث‌عنه درتصرف کریکورآل یاناقیان‌بودو بعدبقرارداد محکمه‌در ادارهٔ حاجی‌سرکز طوماسیان ناظرامور ترکه میباشد ۰ ودر یك‌منازعهٔ‌دیکرکه‌متعلق‌باین فقره ودرمحکمهٔ‌تجارت‌عثمانی‌محاکمه‌میشودتجاری‌که مقروض مکازهٔ واقعه درنمرهٔ ۸۵ در چقماقجیلر یوقوشی میباشندبتوسط کریکورآقا الیاناقیان بیان کرده اندکه قرض‌تجارمومی الیهم برتجارتکاه اوسکهان‌ارسنیان‌استواین‌درحالتی‌کفته‌میشودکه پیش ازضبط مکازه مذکور تجارمومی الیهم ازآن مکازه مال خریده ودردفاترخودشان بنام مکازهٔ اوسکهان ثبت کرده اند ۰ پس اعتراض‌ذوالید بودن ارسنیان موجه‌نیست ۰

اماقرهٔ قونطورات‌که قره‌کوزیان افندی بارسن ارسنیان‌مکازه‌را اجاره‌داده است این کاغذ قونطورات‌را مادامیکه اصل‌ان ابرازنشده است اعتبارنمیتوان کردحال انکه درآن خیلی حرف‌هست‌اکراصل آن‌ابرازبشودمعلوم‌خواهد شدباآنکه‌هرکاه‌این‌مطلب‌صحیح‌هم‌باشدقونطورات نامه‌دلیل براین‌نیست‌که اموال موجوده‌درآن‌مکازه مال ارسن بوده باشد ۰در باب‌دفاترومارك مالها که وکیل‌معترض‌میکوید‌بنام‌موکل‌من‌است‌اکرصحیح‌هم باشد معلوم است بعد ازتاریخ نشر تحریرات عمومی خوداواست‌که‌دراثنای‌مختل‌الشعور بودن پدرش کرده است وکذشته ازاینکه باین نقطه‌از جانب‌من‌اصلا اعتراض‌شده‌است‌افعال کسی‌مدار اثبات‌ادعای‌خوداونتواندبود ۰

پس‌دلائل مسیواید درمالکیت تجارتکاه مبحوث عنه چنانکه تفصیل داده شد مجروح ومردوداست‌وبنابراین‌در باب‌تحصیل‌ضرروزیان وارده‌برتجارتکاه‌اوسکهان‌باکذشته‌ومصارف‌محاکمه حکم میخواهم واجرای موقت حکم راطلب‌میکنم

(مسیواید) بعداز آنکه‌خصوص‌اعتراض‌الغیررا مسکوت عنه کذاشت وکفت از اینفقره اکنون صرف‌نظر میکنم اظهار کرد که اولا از اعلان نامهایی‌که‌در ۲۵ کانون ثانی ۱۸۷۸ شده‌است

ومدعیان موکلم میخواهندآنرامدارحکم قراربدهند فهمیده‌میشودکه‌اوسکهان آنچه حصهٔ اوازشرکت بوده است در یافت کرده واورا علاقه در آن تجارتگاه نمانده است و بالبدیهه اقرار تقسیم‌قبول نمیکند کسی در یك اقرار جهتی‌را که بکارش‌باید قبول بکند وجهت‌دیگررا که‌صرفه بحال‌اوندارد ردنماید جایزنیست بنابراین اعلان نامهای ارسن ودیرکتور اسلامبول دلیل برائبات ضبط کردن ارسن مال پدرش اوسکهان‌را نیست بل‌بالعکس باآشکاری ثابت میکندکه اوسکهان حصهٔ خودرا سوا کرده در یافت نموده است تحریرات‌عمومی‌که شریك دیگرشان (از اریك اصواز اودریان) درسال ۱۸۷٤ نموده است دلیل براین‌است‌که مؤکل من‌دراین مکازه صاحب شرکت وسرمایه بوده‌است (وصورت سرکار را بمحکمه ابراز کرد) باآنکه بالفرض مؤکل من ارسن اموال پدررا ضبط کرده فروخته باشد این یکی اثبات ودلیل براین نمیشودکه اموال واشیایی که بالفعل در مکازهٔ مبحوث عنه است بعینها مال اوسکهان است و پیشتر بودن اوسکهان درآن مکازه دلیل براین نیست‌که دروقت مبرشدن مکازه‌هم مال او بوده باشد بعلت اینکه‌در یك مکازهٔ کرایه‌مدتی یکی وزمانی دیگری اقامت تواند کرد

ثانیا در باب صاحب‌ثروت بودن اوسکهان‌که گفته میشود بدین جهت مکازهٔ مذکور مال اوسکهان است این یکی هم‌دلیل براین نیست که مکازه‌مال اوسکهان است ولی اگر ورثه جداگانه ادعانمایند که ثروت‌اوسکهان‌درنزدپسرش ارسن است ونظامامدلل بشودمیتوانندجداگانه‌ازارسن دعوا واسترداد بکنند حال آنکه‌من ثابت‌میکنم‌که مکازه واموال ومطالبات‌آن مال مؤکل من‌است ۰ دراینجا مسیو باروجی بمدافعه ومجاو به‌برخواسته بجهة ضیق وقت محاکمه بمجلس دیگر تاخیر کرده شد ۰

روز پنجشنبه ۱۲ ربیع‌الاول طرفین‌درمحکمه حاضرشده از (مسیواید) در باب محق بودن اودراعتراض الغیر سؤال کرده‌شد که آیا ایراد مسیو باروجی‌را مسلما قبول کردی که درفقرهٔ اختلال شعور اوسکهان حق اعتراض نداری چنانکه ازمؤلفین معروف قانون درمحکمه بیان کرد که دراین مواد بجز خود محکوم ومحجور شخص ثالث اعتراض الغیر نتواند کرد مگر درصورت وقوع خلاف وساخته کاری ؟ (مسیواید) اظهار کرد آنچه (مسیوباروجی) ازآن مؤلفین نقل کرده صحیح است ولی درمادهٔ (۱۷٦۷) مجله نوشته شده است (بینهٔ عقل بر بینهٔ جنون وعته ترجیح داده میشود) ومؤکل من (ارسن) مدعیٔ عاقلیٔ پدرش است پس او باید عاقلیٔ پدررا اثبات بکند از آنطرف چنانکه درمحاکمهٔ پیش گفتم (راپورت‌دوکتور مونجری)آشکار است که غرض‌آمیز وطرفکیرانه نوشته شده است وراپورتی که از مکتب طبیهٔ شاهانه داده شده است بر راپورت دوکتور مومی‌الیه تاسیس شده‌است واصلاهمچنان‌راپورتی مدار حکم نتواند بود و بنابراین اعلامی‌که دردوم جمادی‌الاولی ۱۲۹۷ از محکمهٔ قونسلخانه داده شده است اعلامی میشود مبتنی بر دلیلهای غیر کافی ووافی واز آنطرف از طبیبان مشهورلندن‌پنج کس‌که دونفرازآنهاطبیبان علیا حضرت ملکه انکلستان است بطور رسمی بیان وتصدیق کرده‌اند عاقل بودن (اوسکهان ارسنیانرا) واین بینه‌ها چنانکه درمجله تصریح شده است مرجح است‌بر بینهٔ جنون‌واختلال‌شعور که بدین طریق ثابت میشودعاقل‌بودن‌اوسکهان ارسنیان۰ واینکه (مسیو باروجی) اظهار کرد‌که دراعلاماتی‌که‌دائر برحجرباشدشخص‌سوم‌اعتراض نمیتواند کرد و بمطالعات مؤلفین فرانسه‌دراینباب استناد میکنداین یکی معلوم است‌که‌این اعتراض مؤکل من (ارسن) اعتراض خصوصی است که تماما مطابق نتواند بود باآنچه‌مؤلفین‌مومی الیهم نوشته اند وحاکم میتواند واسعتر معنای قانون را ملاحظه نماید و بدینموجب شخص ثالثی که برای وقایهٔ حقوق خود فرصتی پیدا نمیکنند برهرگونه اعلامی‌که خلل بر حقوق او وارد میاورد آن شخص اعتراض تواند کرد و برفرض محال‌قبول بکنیم‌که شخص ثالث را حق اعتراض الغیر بر اعلامی که از بابت محجوری او سکهان صادر شده است نبوده باشد ولی در خصوص اموال مکازه شماره (۸۵) شخص ثالث یعنی‌مؤکل مراحق وصلاحیت اعتراض هست‌که این حق از جانب ورثه نیز اعتراف کرده شده‌است ۰ دراین‌صورت خواه اوسکهان مختل الشعور بوده باشد خواه‌نبوده‌باشد وصی‌یاورثه‌را حق مداخله در مکازهٔ مذکور واموال ومطالبات آنجا نیست و بنا براین لازم میاید این جهت اعلام محکمه فسخ کرده شود ودلائلی که (مسیواید) در خصوص‌غرض آمیز بودن‌راپورت (دوکتور مونجری) در محکمه بیان کرد عبارت شد از دوسه فقره‌که ذیلا ترجمهٔ آنهانوشته میشود ۰

(ترجمه ازصفحهٔ بیست وچهارم راپورت مذکور است)

دوم آیاچه چیز است اقدامات لازمه‌که از برای حفظ منافع شخصیه وهمچنین از برای وقایهٔ منافع عموم خانوادهٔ مسیو اوسکهان باید معمول بشود ؟

جواب سؤال دومی کاملا منوط بمسئلهٔ اولی است ۰ همینکه بطور قطعی محقق ومقرر گردیدکه اوسکهان مبتلای اختلال حواس شده واین حالت از دوسال قبل با وعارض گردیده دیگر هیچ جای شك نیست واین حالت نه این است‌که یك‌اختلال شعور مروری باشد بلکه یك حالت دائمی ومستمری از برای مشارالیه بهم رسیده است ۰

پس همینکه این اوصاف معین گردید اجرای قانون دراین موقع حکم‌وجوب بهم میرساند ۰

ترجمه از صفحهٔ سی ام ۰ نهم ماه دیسامبر هزار وهشتصد وهفتاد وهشت ۰

بکدام وسیله (مسیو ارسن) نائل شده است براینکه همهٔ اموال پدرش باو واگذار شده است وچگونه معاملات جدیده را عقد کرده است • آیا اینها را بواسطهٔ کومیسیونی طبیهٔ مخصوصی کرده است یا اینکه از همه شرائط لازمهٔ این عمل صرف نظر نموده است • در این صورت حیله کاریٔ اواشکار وواضح میشود زیرا که مسیو ارسن میدانست که چندین طبیب حالت پدر او را معاینه وامتحان کرده واختلال شعور اورا تصدیق نموده اند حتی لزوم بی دخلی اورا از امورات باعلام ربط نموده اند •

(ترجمه از صفحهٔ بیست و هشتم)

هنکامیکه مسئلهٔ محاکمهٔ امور او سکهان فیما بین حکومت ایرانی وعثمانی متنازع فیه ودر مذاکره بودمسیو اوسکهان یکدفعه بی‌مقدمه از اسلامبول غیبت نموده عزیمت بشهر وین که پسرش آنجا بود کرد ومقصودپسر هم آنوقت این بود که حالت پدر خودرا بامتحان حکیم مخصوص مجانین دوکتور (لیدسرورف) معروف ومقیم وین رسانیده واز او حسب المرام خود تصدیقنامه تحصیل نماید ونیل این مقصود بمشارالیه سهل بنظرمیآمد زیرا که درمیانه حکیم مزبور و پدرش خود میخواست ترجمانی نماید ودر این صورت ازحصول مقصود مطمئن بود • پس از آنکه چنین سندی ازیك حاکم عالم مشهوری بدست میآورد دیکر تردید نداشت در آنکه را پورتهای سابق الذکراسلامبول درمقابل این سند بوجهی محل اعتبار نخواهدشد• بدین‌ملاحظه برحسب اتفاق من‌فورا کاغذی بآن حکیم عالم نوشته وو قایع را بطور یکه اتفاق افتاده بود در کاغذ خود بمشار الیه بیان کردم وسوادی‌نیز از (کونسلتاسیون) خودم فرستادم وهمچنین از روی جسارت اخطار نصیحتی هم باو کردم که اکر مسیو اوسکهان را پیش او بیاورند که تشخیص مرض بکند یکنفر ترجمان بی‌غرضی منتخب نماید •

(مسیو باروجی) بجواب آغاز کرده کفت درخصوص عدم صلاحیت(مسیوایدراباعتراض الغیردرمحاکمهٔسابقه بیان کرده ام باآنکه در باب مختل‌الشعور بودن اوسکهان محکمه راقناعت حاصل شده ودردرجهٔ اخیره اعلام‌داده است این اعلام قابل فسخ‌نتواندبودودر باب حقارتی‌که برضد)دوکتورمونجری) میکنند ازتحقیر او بر طبیبی که طرف‌امنیت واعتبار عمومی است‌تأثیری متصورنیستو یك‌حکم که میخواهددرایخصوصها راپورت تمام بدهدوتصدیق صحیح‌نماید بایداحوال وسرکذشت سابقهٔ اورا واوضاع خانواده‌وطایفه اش‌را اطلاعات حاصل کرده باشد وز بان‌اورا آشنایی داشته وراپورتی‌که میدهددر آن راپورت تفصیل‌این‌موادرانقل‌نمایدوطبیبانی‌که‌در انکلستان مختل الشعورمرقوم‌را معاینه کرده‌اندکذشته از اینکه‌ز بان‌اورانمیدانسته‌اندازاحوال‌واوضاع‌سابق وفامیلیایی‌اوهم آکاهی نداشته‌اندرمقابل اعلامی که‌ازمحکمهٔ‌جزاموافق قرارنظارت طبیه‌داد شده است راپورتهای طبیبان انکلیس ابرازمیشودکه صحت ترجمهٔ آنهارا نمیدانیم‌این‌راپورتهارادرمقام اثبات می‌آورد درحالتیکه طبیبان ز بان مریض رانمیدانستند ونمیدانیم درهنکام معاینه‌کی‌ترجمان شده‌است وآیا مجاو بات اورا براستی ترجمه کرده است یانه وازاحوال‌سابقهٔ‌اوشك نیست‌که‌بواسطهٔ بیانات (ارسن) اطلاع توانسته اند بدست بیارند ودر این صورت درجهٔ‌اهمیت آن راپورتها آشکار میشود •ودر اینجافقرهٔ(دوکتور لیدوسرورف) رامسیو باروجی تکرار بمیان آورده کفت ازطبیبان معتبرکه اوسکهان‌را معاینه‌کرده اندبعد از فوت اوسکهان شنیدم‌که وفات اوسکهان بقاعدهٔ فن ازهمان ناخوشی‌که‌داشت‌شده است • و بعدازآن کفت معاینهٔ اوسکهان بجهة‌اینکه وفات یافته‌است ممکن نیست ومجنون بودن او بااوراق رسمیه مثبت و باعلام ربط شده وازجانب محکمهٔ قونسولات در طبق انها اعلام داده شده است و بنابراین راپورتهای‌طبیبان‌انکلیس راتأثیردر اعلام‌نخواهد بود • ودر باب فقرهٔ ذرالید بودن ودلائل دیکر که (مسیو اید)بیان کرده بود دلائل‌سابقهٔ خود را اعاده وتکرار نمود محاکمه‌بمجلس دیکر کذاشته‌شددر •

در ۱۹ ربیع‌الاول‌طرفین‌درحضورمحکمه‌حاضر شده همان دلائل سابقه‌رااعاده کرده‌ودرباب‌اثبات ذوالیدبودن‌باز(مسیواید)اصرارو (مسیوباروجی بطور مذکور بمدافعه برخواست وحاصل‌سئوال وجوابها تکرر سخنان سابق شد وسئوال جواب ختام یافت ودروقت رفتن هیئت محکمه باطاق تذکر (مسیواید) نوشتهٔ بمحکمه تقدیم کرد (مسیو باروجی)مانع ازقبول آن ورقه کردیدکه بعدازختام محاکمه (مسیو اید) حق تقدیم لایحه ندارد میبایست بمن‌داده بشود تاانکه‌من هم اکر جوابی لازم‌باشد بدهم (مسیو اید) کفت این‌یك مذکره است وقانونا جایز است همچنان مذکره یعنی یادداشت بعد ازختام محاکمه بمحکمه داده شود • (مسیو باروجی) کفت هرکاه این نوشته یادداشت سخنی‌است‌که فراموش کرده‌باشی‌میتوانی تقدیم نمایی وکرنه این ورقهٔ‌مفصل مثل لایحه که میتواندداخلال درحقوق مؤکلین من نماید بعداز ختام سئوال وجواب‌جایز نیست تقدیم کرده‌شود وقرارکار برأی محکمه ماند •

پس از مذاکره معلوم شدکه نوشتهٔ مذکور ایضاحات وخلاصهٔ بیانات (مسیو اید) است ومطالعهٔ آن بسته باختیار محکمه میباشد و برای مزید اطلاع قبول آنرا قرارداده شد ختام یافتن محاکمه ومناسب بودن رؤیت دفترهای‌مکاتبهٔ مبحوث عنه بقرار ذیل بطرفین بیان‌شد •

که ادعای مالکیت مؤکل شما برمکاتبهٔ مبحوث عنه مستند بدلائلی است که کفتید • یکی (ذوالید) بودن • دومی (کونتورا تامهٔ‌مکاتبه) سومی (بودن‌مارکهای‌اموال) چهارمی(بودن‌همهٔ‌دفاتر بنام‌ارسن‌ارسنیان)درباب ذوالید بودن‌که دلیل براثبات مطلب خود میدانید باآنکه در قانون مقررهٔ اسلام وشرایع احکام ذوالید بودن اولاد درمال پدر مناط‌حکم

نتواند بود مطالعات محکمه درثانی در اینباب بشما بیان میشود ودو دلیل دیکر شما که عبارت از کونتو راتنامه ومارك اموال است بطور یکه بیان کردید قوتی ندار دکه به تنهایی اثبات مدعای شمارا کرده باشد . ماند فقرهٔ دفاتر مکازه که شما کفتید همه دفاتر بنام ارسن ارسنیان است وچون در اثنای محاکه پارهٔ سخنان از سر مایه وشرکت وغیره بمیان آمده است ودر هر حال ملاحظه دفاتر و اطلاع محکمه از وضع معاملات وجریان امر تجارت مکازه لازم است که در اینفقره که تایکدرجه در نظر محکمه معلوم شده است قراری از روی بصیرت داده شود . بنا براین هرکدام از طرفین ممیزی معین نمایندوا ز جانب محکمه نیز یکی معین میشود ورسیدکی بدفاتر شده بمحکمه اطلاع میدهند علی هذا از جانب (ارسن ارسنیان) (احانس افندی کوشیان) واز جانب وراث دیکر (قارنیك افندی سزکزوف) واز جانب محکمه (حاجی آغوب افندی نشاسته جیان) که از اعضای محکمه بود معین شدند و بجهة اعضا بودن حاجی آغوب افندی (مسیواید) اظهار کردکه . چون در اعلامی که باعضایی اوداده شده است مؤکل من اعتراض میکند نباید او ممیز در رسیدکی دفتر ها باشد . از جانب محکمه جواب داده شدکه معاینهٔ دفتر برای این نیست که راسا مدار حکمی بشود بل بملاحظهٔ این است که محکمه اطلاع حاصل نماید ازوضع دفاتر وجریان معاملات مکازه ازاول تاسیس و به بیند درجهٔ صحت این حرف را که شما ادعا کردید که همهٔ دفاتر بنام ارسن ارسنیان است . (مسیواید این اظهارات خود را خواهش کرد ثبت بشود) وچون در ثانی احانس افندی کوشیان اعتذار از قبول ممیزی کرداز جانب مسیو ارسن (اغیازار افندی ملکیان) بجای او تعیین شده مبادرت برسیدکی دفاتر کردند تا آنکه اغیازار افندی مومی الیه راپورت مفصلی جداکانه مورخ چهارم جمادی الاخره (۱۲۹۸) وحاجی اغوب افندی نشاسته جیان وقارنیك افندی سزکوف مشترکا یك راپورت مختصر مورخ ۲۱ جمادی الاولی بمحکمه فرستادند مآل راپورت مشترك دومی این بود که موافق تذکره که ازمحکمه برای معاینهٔ دفاتر فرستاده شده بودکه دفاتر مکازه واقع در چاقاقچیلر یوقیشی درشمارهٔ (۸۵) ورسیدکی دفاترشعبه مکازهٔ (مانجستر معاینه وسرمایهٔ موجود وجریان معاملات تجارتی ازآن دفاتر استنباط کرده شده بمحکمه اطلاع داده شود درهنکام معاینهٔ دفاتر مصارف شعبهٔ مانجستر تماما بمکازهٔ مذکور تحمیل شده است ولی تجارت ومنافع ازچندسال باینطرف معین نکردیده ورسیدکی بدفاتر مانجسترهم مدلول تذکرهٔ مذکور وهم مقتضای طبیعیٔ مصلحت بود و بنابراین چون دفترها مکررا از مسیو ارسن مطالبه کرده شد از ابراز آنها امتناع نمود دراینصورت مادامیکه دفاتر مانجستر دیده نشوددانستن احوال مکازهٔ مذکورکه ازماخواسته شده است ممکن نمیشود ومع ذلك مدتی که برای ماموریت مامقرر بود ختام یافته است لهذا برای حصول مقصود مطلوب مدت معینه باید تمدید شده بمسیو ارسن هم امر بشودکه دفاتررا بیاورد انتهی .

مآل راپورت مفصل که از جانب اغیازار افندی ملکیان تنظیم شده بود بعد از بیان مدلول تذکره وتعداد ایام اجتماع بار فقای خود برای رسیدکی دفاتر مینویسد . برای اطلاع از اطراف مطلب (کریکور آقال یا ناقیان) دعوت شده در باب دفاتر مانجستر استیضاح کرده شدمحول بارسن ارسنیان کرداز او خواسته شده پارهٔ اطلاعات داد وقرار شد در مجلس آینده آنچه اوراق در اینباب دارد بیاورد ودر مجلس دیکر اوراق را بابوقچهٔ که داشت آوردودرمیان آنها دفتر (بلانچوپی) بود و پارهٔ اوراق دیکرکه از آن اساس وابتدای مکازهٔ مذکور وسرمایه موجوده ودیون سنواتی که مندرج بود مبین بودی از آن اوراق که در میان بوقچه بود سؤال کرده شدکه آیا چیز دیکر هست کفت اوراقی است که بشخص خودم مخصوص است ولازم است ورقهای من بوقچه را ازدست اوجبرا کرفته بالاخره بطور اکراه در تحت تمییز شانسلری قونسلات آورده شد . ممیز مومی الیه در اینجا تفصیل داده میکذرد بامر معاینهٔ دفاتر مبرزه ومینویسد معاملات مکازهٔ مذکور در اسلامبول تاماه مارس ۱۸۸۰ بدفتر نوشته شده است ولی از دوقسم حسابات مانجستر آنچه از آنجا فرستاده شده است سال بسال داخل دفتر شده فقط نفع وضرر از جهت کومیسیون وجهات دیکر بعد از وضع مصارف تاسال ۱۸۷۶ مقید شده است حساب دوساله تاسال ۱۸۷۸ دردفترها نبوده ولی ارسن ارسنیان درجدول جداکانه ابراز کردکه ضرر وتجارت سال مزبورهم درمیان اوراق بوقچهٔ ممهور محفوظ میباشد دفاتر مانجسترا برای فهمیدن معاملات بعد از تاریخ مذکور که سال هفتاد نه وهشتاد باشدخواستیم درجواب کفت دفترها اینجانیست ودرمانجستر است ممیز مومی الیه بنا کرده است به بیان مقدماتی که خارج از مطلوب محکمه بوده بیانات ارسن ارسنیان را نقل کرده است که تافلان تاریخ باید رم شریك بودم بعد فسخ شراکت کردم واعلان نمودم که معاملات تجارتی مکازه مذکور مختص خودم میباشدو بعدازآن از وضع دفاتر بقرار ذیل اطلاع میدهدکه مکازهٔ مبحوث عنه درسال ۱۸۷٤ ازجانب اوسکهان ارسنیان واز اریك آسوازاو دوریان وارسن ارسنیان اداره میشده است که سرمایهٔ شرکت درآن تاریخ هشتهزار و یکصدونودونه لیرای عثمانی وپنجاه ونه غروش بوده است وسرمایه بنام ارسن ارسنیان درآن ضمن چهارصد لیرا وهفده غروش بوده واز اریك افندی سواشده کار دردست پدر و پسر مانده است و چند قلم معاملات بعد ازآن آجرا و بالاخره درسال هزار وهشتصد وهفتاد وهشت دردفترهاسرمایه تعیین نشده از ارسن سؤال شده است . درجواب کفته است شرکت با پدرم فسخ شده است ودرآخر سال مزبورنه هزارو پانصدوهشتادوهفت لیرا وچند غروش نموده شده است وفردای آنروز یعنی دراول سال ۱۸۷۹ عنوان تجارت مکازه

باهمان سرمایه بنام وعنوان (او) ارسنیان نامیده شده ودردفاتر بهمین طور ثبت شده است ومعاملات بعد از آن بنام ارسن ارسنیان نوشته شده است ۰ خلاصه راپورت مذکور آنچه درداخل وظیفه باعتقاد خودش نوشته است همین است انتهی

پس ازمطالعه ومذاکره شئون مطالب وموازنه سخنان ودلائل طرفین مرجع همهٔ سخنان ازطرفین منتهی میشود بدونقطه که مدار حکم وقرار عمل تواندشد

یکی فقرهٔ مختل الشعور بودن ونبودن اوسکهان ارسنیان ومعاملاتی که متفرع بر آن است ۰ دو یمی ذوالید بودن ارسن ارسنیان در مکازهٔ چقماجیلر یوقوشی شمارهٔ هشتاد و پنج که مطالعات محکمه درهر دوفقره ذیلا تصریح میشود نظر براینکه از جانب محکمه در تاریخ دوم جمادی الاولی ۹۷ برمختل الشعور بودن اوسکهان ارسنیان ومحجوری اووزوم تعیین وصی برای مایملك او ومعین شدن حاجی سرکز طوماسیان بوصایت ومحول شدن ادارهٔ مکازه تجارتی اووجلهٔ متفرعات امور تجارتکاهش بوصی مومی الیه صادرشده وپسر بزرك محجور مومی الیه برضد اعلام مذکور استدعایی بسمت اعتراض الغیر تقدیم ومدعی شده که مکازهٔ چقماجیلر یوقوشی درشمارهٔ ۸۵ مال من است ۰ ودرمحاکمه که باحضور طرفین شده مسیو باروجی وکیل وراث اظهار کرد که برضد همچنان آعلامی که برمحجوری یك شخص داده میشود باستثنای صورت صنع وساخته کاری تنها محجور میتواند اعتراض بکند لاغیر و بدین جهت بلاحکم بودن این اعتراض وموقوف بودن اطلاع برخفت عقل واخلال شعور کسی چنانچه درعلم وفن طب مصرح است برانیکه از مصاحبت واحوال سابقه وسرکذشت اوآکاهی حاصل بوده باشد وفقرهٔ مختل الشعور بودن اوسکهان علاوه برراپورت وتصدیقنامهای متعدد طبیبانی که بتواریخ مختلفه اورامعاینه کرده وازاحوال حاضره وسابقهٔ او آکاهی جسته اند وشرح داده اند دلائل مختل الشعور بودن اورابموجب قرارنظارت طبیبه یك طغرا اعلام آز محکمهٔ جزای یك اوغلی داده شده محقق کردیده است ودرمقابل این ارسن ارسنیان تنها و بقصد ضبط کردن اموال پدر وحقوق مادر و برادر وهمشیره های خودمراجعت بطبیبان لندن کرده درحالتیکه اززبان اوسکهان وآزسابقهٔ حالات وسرکذشت اوآکاهی کافی نداشته اند چندشهادتنامه تحصیل کرده است که درمقابل اعلام وشهادتنامها وتصدیقهای اولی قوتی نتواندداشت ۰ خصوصا که این مراجعت رابی وجودخصم و بغیرطورمحاکمه کرده وآن طبیبان راهم کفته نمیشود که مخصوص فن جنون هستند وراپورت طبیب علیاحضرت ملکهٔ انکلستان است مینویسد که اکرچه زبانش رانمیدانم لکن اطوار واقوال او باقوال واطوار عقلامی ماند و در حالتیکه اوسکهان وفات کرده چنان بار دیکر معاینهٔ او ممکن نیست واعلام ونوشتجاتی که درحال حیات اوداده شده است معتبر ومقبول است ۰ و (مسیواید) نیز درحضور محکمه اعتراف کرد که در اینباب حق اعتراض الغیر نیست تنها محجور میتواند اعتراض بکند نه غیر و بی موقع بودن ادعای اینکه بینهٔ عقل بر بینهٔ عته وجنون مرجح است بعلت اینکه این فقره مجلهٔ احکام رادر صورتی استناد توان کرد که معترض الغیر حق دخول دراین مبحث واقامهٔ بینه داشته باشد چنانکه اکر اوسکهان باین مقام میآمدی دلائل اومرجح بودی همچنانکه درمحاکمات محکمهٔ جزا واستیناف ازجانب خوداو اعتراض کرده شده است ودراینجانه ارسن ونه کسی ادعا دیکر راحق اعتراض الغیر دیده نمیشود ۰ لهذا این جهت اعلام که درخصوص مختل الشعوری اوسکهان ارسنیان داده شده است مؤکد ومقرر کردید ۰

ودرباب مالکیت بعنوان ذوالید بودن که مسیواید اقامهٔ بینه کرده ایستادکی نمود که موافق موادقانونیه مال منقول دردست هرکس هست مالك است این فقره درصورتی است که حقا وصحیحا متصرف بوده باشد وتصرفش عاری از حیلت وصنع باشد وارسن نتوانسته است اثبات کند که این تصرف عاری ازصنع وحیلت است و برساند که اموال وتجارتکاه پدر رابچه نحو وکدام طریق مشروع متصرف شده است و چطور شده است که بفاصلهٔ یکشب یك مکازه وتجارتکاه ازنام (اوسکهان ارسنیان) بنام (ارسن او ارسنیان) تبدیل شده وبواسطهٔ اعلاننامها وتحریرات عمومیهٔ خود را مالك بالاستقلال آن چنان تجارتخانه کرده است ودر حالتیکه (مسیو باروجی) در مجلس حضور را ازاین فقرات را سؤال کرده است سکوت نموده نتوانسته است جواب بدهد و بودن تجارتکاه بنام اوسکهان ازروی دفاتر مکازه و بیانات تجاری که با آن مکازه معامله داشته اند واین معنی را دیرکتور سابق از قول مدیونین مکازه در محکمهٔ تجارت عثمانی در حضور (ارسن) ووکیلش بیان کرده ارسن ووکیلش ساکت شده اند واین سکوتها میرساند که تصرف ارسن درآن مکازه مشوب بحیله وصنعی شده است واثبات حقیقت ذوالید بودن در مال منقول موقوف براثبات این است که تصرف ازیك انتقال وفراغ مشروع متولد شده است چنانکه هرکاه کسی تودیع بکند مال منقولی رابکس دیکر شخص اماتدار هم ادعای ذوالید بودن را میتواند بکند حال آنکه تصرف اماتدار مثل تصرف صاحب ودیعه نتواند بود و بنابراین اینکونه ادعای مالکیت واهی و بلا حکم میباشد و مسیو ارسن ترك نامهٔ صحیحی هم از جانب پدرش نتوانست ابراز نماید و تجارتکاه در سعادت بنام اوسکهان از جانب الیانا قیان مدیر اداره میشد ومؤخرا ازجانب محکمه اوسکهان مختل الشعور محجور شده و یك سال بیشتر است که تجارتکاه مذکور از جانب حاجی سرکز طوماسیان اداره میشود دراین حال بالفعل ادعای ذوالید بودن ارسن ارسنیان اصلا وجود وحقیقت ندارد وبدین ملاحظات قویه مردودیٔ ادعای مالکیت ومحقانه ذوالید بودن ارسن درتجارتکاه مذکور محقق ومقرر کردیده ۰ در باب مارك ودفاتر نیز چنانکه شرح داده شد بعدازآنکه ارسن ارسنیان تجارتکاه بدرراپی استناد بمستند مشروع بااعلاننامه وتحریرات بنام خود کرده است لابد دفترها ومارکها را بنام خود پیش برده است ونتوانسته است ترك نمودن پدرش حقوق خودرا بوی بطور مشروع برساند وقول وفعل کسی مدار اثبات دعاوی خود نمیتواند بود وکونتورات نامهٔ مکازهٔ اسلامبول که ابراز کرددر مالکیت تجارتکاه خصوصا باوجود مقدمات مفصله وغیر معتبر بودن

صورتی که در آن علاوه کردن بعض کلمات ممکن است و تاریخ کرفتن رسم در تاریخ تصدیق است دلیل مالکیت نتواندشد و در کومیسیونی که برای معاینهٔ دفاتر تجارتکاه مانجستر و اسلامبول تشکیل شده بود که مأخذ و اساس تشکیل تجارتکاه و مقدار اموال وثروت موجوده را راپورت کرده بمحکمه بیان نمایند دفترهای مانجسترا ابراز نکرده و در حالتیکه خود در مقام اقامهٔ بینه مدعی است که جمله دفاتر بنام من است و ابراز نمیکند بعض دفترها را که انیهم مؤید وقوع حیلت و صنعی است که در حق او کفته میشود و بودن دفاتر از تاریخ اعلان باینطرف بنام او حکمی نتواند داشت حال آنکه در معاملات پیش

از آن هم باحالت مختل الشعور بودن اوسکهان هر کونه تصرفات او مناط اعتبار نیست و در ثانی باید دفاتر مانجستر و اسلامبول بدقت رسیدکی شده حقوق ورثه معین وموافق حقانیت ضرر وخسارتی که از این جهات درحق وراث وارد شده است بارسن ارسنیان تضمین بشود که این یکی منوط باین خواهد بود که جدا کانه استدعایی بدهند و بایجاب آن پرداخته شود .

لهذا بموجب شروح فوق برد اعتراضات مسروده از طرف ارسن ارسنیان در باب اموال مکازه و تجارتکاه مبحوث عنه و تنها شناخته شدن او بسمت وارثی پدرش اوسکهان ار سنیان و بجهة اینکه این اعلام مستند بر اعلام دیکری است که استیناف نشده است بر حسب استدعای مسیو بارو بجی باجرای آن موقتا و در یافت شدن مصارف محاکمه در اول کار از وراث و تحصیل آن در ثانی از ارسن ار سنیان در درجهٔ اولی متفقا قرارداده شده مراتب در تاریخ ۱۷ ماه جمادی الاخره ۱۲۹۷ مطابق ۱٤ یار ماه رومی ۱۸۸۱ بطرفین تفهیم کرده شد .